



فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰، صفحات ۱۴۴-۱۲۷

مقاله پژوهشی

شناسایی کارکردها و کژکارکردهای سرمایه اجتماعی در اجرای خطمشی‌های جمعیت در ایران

علیرضا متقی

کارشناس ارشد مدیریت دولتی گرایش خطمشی‌گذاری عمومی دانشگاه تهران

مجتبی امیری^۱

دانشیار مدیریت دولتی دانشگاه تهران

عباس نرگسیان

استادیار مدیریت دولتی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۹/۸/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۲۰)

چکیده

سرمایه اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در اجرای خطمشی‌های عمومی دارد. اجرا، مرحله‌ای از فرآیند خطمشی‌گذاری است که محل تحقق عملیاتی اهداف خطمشی‌ها می‌باشد. این تحقیق، در پی پاسخ به این سوال است که سرمایه اجتماعی، چه کارکردها و کژکارکردهایی در اجرای خطمشی‌های جمعیتی دارد. روش تحقیق در این پژوهش، از منظر فلسفه تحقیق، «تفسیری» و از نظر رویکرد، «استقرایی» است. استراتژی تحقیق، «مطالعه موردی» و نحوه گردآوری اطلاعات، «مصاحبه» است. جهت تحلیل داده‌های مصاحبه‌ها از تکنیک «تحلیل مضمون» استفاده شد. با تحلیل داده‌ها، ۴۷ مضمون اولیه، ۶ مضمون سازمان‌دهنده و ۲ مضمون فراگیر احصاء شده و الگویی نظری شکل گرفت که مطابق آن وفاق اجتماعی، تعاملات اجتماعی سازنده و وجدان جمعی، کارکردهای سرمایه اجتماعی قلمداد می‌شوند که تحقق آن‌ها، تسهیل‌گر اجرای خطمشی‌های جمعیتی است. ضعف وفاق اجتماعی، تعاملات اجتماعی مخرب و ضعف وجدان جمعی، کژکارکردهای سرمایه اجتماعی هستند که اجرای خطمشی‌های جمعیتی را متوقف کرده یا به تعلیق درمی‌آورند.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، خطمشی عمومی، اجرا، کارکرد، کژکارکرد.

مقدمه

طبق گزارش مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۹۵، یک میلیون و ۵۲۸ هزار تولد ثبت شده است؛ در حالی که این عدد در سال ۱۳۹۸، به یک میلیون و ۱۹۶ هزار رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹). این روند کاهشی در سال‌های اخیر نشان از اشکالاتی در روند اجرای سیاست‌های جمعیتی دارد. از سویی، بنابر آمارهای جهانی مانند آنچه که در گزارش موسسه لگاتوم در سال ۲۰۲۰ منتشر شده است، جایگاه ایران از حیث سرمایه اجتماعی در میان ۱۶۷ کشور، ۸۵ است که اگرچه در سطحی متوسط قرار گرفته است، اما تا رسیدن به وضعیت مطلوب، فاصله زیادی دارد (موسسه لگاتوم، ۲۰۲۰). عدم کسب توفیق در اجرای موفق سیاست‌های جمعیتی و نابسامانی‌های سرمایه‌اجتماعی در سال‌های اخیر، منجر به آن شد تا در پژوهش حاضر ارتباط این دو مسئله با یکدیگر و چگونگی اثرگذاری سرمایه‌اجتماعی بر اجرای سیاست‌های جمعیتی بررسی شود. اجرای خط‌مشی، اصلی‌ترین مرحله فرآیند خط‌مشی‌گذاری بعد از تدوین، تصویب و قانونی شدن خط‌مشی است. مشاهدات نشان داده است که پیاده‌سازی و اجرای خط‌مشی‌ها یکی از مهم‌ترین مشکلاتی می‌باشد که کشورهای در حال توسعه با آن مواجه هستند. مسئله در اجرا زمانی اتفاق می‌افتد که نتایج و اهداف مطلوب و مورد انتظار ذینفعان خط‌مشی حاصل نشود (مکیندی، ۲۰۰۵: ۲). از مهم‌ترین مسائل و تنگناهایی که خط‌مشی‌گذاری عمومی درگیر آن است، ناآگاهی عامه مردم و عدم حضور آن‌ها در مراحل خط‌مشی‌گذاری می‌باشد. در صورتی که اهداف خط‌مشی‌های موردنظر با اصول و باورهای نهادهای مردمی هم‌راستا باشد، در اجرای آن‌ها همکاری خواهند کرد؛ اما در غیر این صورت، منفعلانه عمل می‌کنند (ملک‌محمدی، ۱۳۹۴: ۷۲). باید توجه داشت که نتیجه‌ی حذف مردم از جریان خط‌مشی‌گذاری، بروز پیامدهای نامطلوبی است که آینده حیات سیستم را با مخاطرات جدی مواجه می‌سازد (الوانی، ۱۳۹۲: ۱۷۳). سرمایه اجتماعی از زمان فعالیت‌های علمی رابرت پاتنام در سال ۱۹۹۳ توجه خط‌مشی‌گذاران را به سوی خود جلب کرده است (تیتنسور، ۲۰۰۷: ۵۱۲). به بیان پاتنام (۱۳۸۴: ۹۵)، «سرمایه اجتماعی اغلب محصول جانبی دیگر فعالیت‌های اجتماعی است. این سرمایه به طور معمول در پیوندها، هنجارها و اعتمادها تشکیل می‌شود و از یک وضعیت اجتماعی به وضعیت دیگر انتقال پذیر است». مفهوم سرمایه اجتماعی توجهات را به سمت اثرات و پیامدهای جامعه‌پذیری انسانی، ارتباط‌پذیری، و روابط انسان‌ها با یکدیگر و ساختار اجتماع جلب می‌کند (تزناکس، ۲۰۱۳). منابعی که به مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند، مدعی هستند که «همان ویژگی‌های سرمایه اجتماعی که آن را مفید و حاوی فوایدی سازنده می‌سازند، به صورت بالقوه می‌توانند به برون‌دادهای منفی نیز بیانجامند. براین اساس، زیان‌های سرمایه اجتماعی شامل پرورش دادن رفتارهایی است که به جای بهبود عملکرد اقتصادی به بدترکردن عملکرد یادشده منجر می‌گردد و به عنوان مانعی برسر به حساب آوردن و تحرک اجتماعی به

شمار می‌روند و به جای متحدسازی اجتماعات محلی به متفرق نمودن آن‌ها همت می‌گمارند و تفرقه را دامن می‌زنند.» (تورپ: ۲۰۰۳). خط‌مشی‌های جمعیتی و اجرای آن در کشور ایران در طول تاریخ دستخوش تحولاتی بوده است. به طور کلی بعد از انقلاب اسلامی و در دوره جنگ تحمیلی، دیدگاه‌های القایی از طرف حاکمیت بر متن جامعه - البته بدون وجود قانون و یا خط‌مشی به خصوص - مبتنی بر افزایش جمعیت بود. در سال‌های بعد از جنگ با بروز بحران‌های متعدد ناشی از افزایش جمعیت، که از جمله‌ی آن‌ها کمبود امکانات خدماتی، رفاهی، آموزشی و ... بود از یک طرف، و توصیه‌ها و فشارهای نهادهای بین‌المللی کنترل جمعیت از طرف دیگر، موجب شد تا خط‌مشی‌گذاران وقت تصمیم به تصویب و اعمال خط‌مشی‌های کنترل جمعیت در راستای کاهش نرخ رشد آن بگیرند. قدم‌نهایی اجرای خط‌مشی‌های جمعیتی توسط عموم مردم و خانواده‌های ایرانی برداشته می‌شود. لذا، کارکردها و کژکارکردهای سرمایه اجتماعی در اجرای سیاست‌های جمعیتی نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کنند. پرداختن به موضوع سرمایه اجتماعی از آن جهت حائز اهمیت و توجه است که با توجه به وجوه دوگانه آن یعنی کارکرد یا کژکارکرد، هنوز شناسایی کارآمد و اثربخشی جهت تفکیک آن‌ها صورت نگرفته است. همچنین جامعه امروز ایران دچار نوعی چندپارگی اجتماعی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شده است که بعضاً با اثراتی بر نحوه و کیفیت اجرای خط‌مشی‌های عمومی همراه بوده‌اند. لذا این پژوهش، در پی پاسخ به این سوال است که سرمایه اجتماعی چه کارکردها و کژکارکردهایی در اجرای خط‌مشی‌های جمعیتی دارد.

پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

خط‌مشی‌گذاری عمومی

خط‌مشی‌های عمومی، اصول وضع شده توسط مراجع قانونی (الوانی، ۱۳۹۲: ۱۴) و تصمیمات اتخاذ شده به جهت حل مشکلات عمومی (قلی‌پور، ۱۳۹۳: ۹۶) هستند که به مثابه یک چراغ راه، راهبر اقدامات و فعالیت‌های لازم در جامعه قلمداد می‌شوند. به بیان توماس دای، خط‌مشی عمومی عبارت است از «آنچه که دولت‌ها انجام می‌دهند، علت انجام کارها و تفاوت‌های میان آن‌ها». دیوید ایستون، «اثرات فعالیت‌های دولت» را معرف این مفهوم می‌داند.

اجرای خط‌مشی

اجرای خط‌مشی، اصلی‌ترین مرحله فرآیند خط‌مشی‌گذاری بعد از تدوین، تصویب و قانونی شدن خط‌مشی است. اجرا به طور کلی به منزله اجرای قانون است که با همراهی بازیگران مختلف صورت گرفته تا خط‌مشی مورد نظر به نتایج و اهداف مطلوب خود دسترسی پیدا کند

(لستر و استوارت، ۱۳۸۱: ۱۲۶). گروهی دیگر از اندیشمندان، با تأکید بر فرآیندی بودن اجرا، آن را این چنین تعریف می‌کنند: «فرآیندی که در آن، برنامه‌ها یا خط‌مشی‌ها به اجرا گذاشته می‌شوند. مرحله‌ای که نشان می‌دهد طرح‌ها چگونه عملی می‌شوند» (هاولت و رامش، ۱۳۸۰: ۲۴۵). به طور کلی می‌توان اصلی‌ترین بازیگران را در پنج گروه بوروکرات‌ها و کارگزاران اداری، قانون‌گذاران و خط‌مشی‌گذاران، قضات و قوه قضائیه، گروه‌های ذی نفوذ و فشار و نهایتاً شهروندان و نهادهای مدنی جای داد (لسترواستوارت، ۱۳۸۱: ۱۲۸-۱۳۰).

سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی برای اولین بار توسط «هانیفان» سرپرست مدارس ورجینیای غربی در سال ۱۹۱۶ در خصوص اهمیت مشارکت در تقویت کارایی مدارس مطرح شد. وی رویکردی کلان نسبت به تعریف سرمایه اجتماعی دارد و آن را در رشد و توسعه اقتصادی کشور مؤثر می‌داند. به این جهت، تعریف وی ماهیتی جمعی دارد و سرمایه اجتماعی را به منزله دارایی گروه‌ها و جوامع تلقی می‌کند (دادگر، نظریور و منتظری مقدم، ۱۳۹۴: ۳۷). مطابق نظر نانکی ول (۲۰۰۲)، مفهوم سرمایه اجتماعی در حال پدید آمدنی دائمی است که هنوز به سرانجام خود نرسیده است و برخی جنبه‌های آن می‌تواند پیامدهایی منفی داشته باشد. به بیان پیران، در حال شکل‌گیری بودن و تناقض‌های درونی موجود در مفهوم سرمایه اجتماعی خصوصاً تناقضاتی که بین مصادیق سرمایه اجتماعی مشاهده می‌شود، نشان دهنده‌ی آن است که هنوز در درک سرمایه اجتماعی و پاسخ به این پرسش که در نهایت چه مؤلفه‌هایی سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند، مشکلاتی وجود دارد (پیران، ۱۳۹۲: ۲۴).

ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

رابرت پاتنام به دنبال اندازه‌گیری وضعیت سرمایه اجتماعی در آمریکا، مؤلفه‌هایی از سرمایه اجتماعی را در پنج حوزه اصلی معرفی کرد که عبارتند از: مؤلفه‌های ناظر بر حیات سازمانی جامعه، مؤلفه‌های ناظر بر مشارکت در امور عمومی، مؤلفه‌های ناظر بر فعالیت‌های داوطلبانه، مؤلفه‌های ناظر بر معاشرت‌های غیر رسمی و مؤلفه‌های ناظر بر اعتماد اجتماعی (پاتنام، ۲۰۰۰: ۳۱۵). نارایان و کسه‌دی (۲۰۰۱)، جهت اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی، آن را در ۷ بعد اصلی تقسیم بندی کرده‌اند که عبارتند از: ویژگی‌های گروه، هنجارهای تعمیم یافته، باهم بودن (همبستگی)، جامعه پذیری اجتماعی روزانه، ارتباطات همسایگی، گرایش به داوطلب شدن و اعتماد. ناهاپیت و گوشال (۲۰۰۰: ۱۱۹-۱۵۷) با رویکرد سازمانی، جنبه‌های مختلف سرمایه اجتماعی را در سه بعد جای می‌دهند: «سرمایه ساختاری»، «سرمایه ارتباطی» و «سرمایه شناختی». یک گروه تحقیقاتی در دانشگاه جان اف. کندی هاروارد در سال ۲۰۰۰، ۱۱ مؤلفه را ذیل دو بعد اعتماد و مشارکت سیاسی تعریف کردند (الوانی و سیدنقوی، ۱۳۸۱: ۱۱-۱۴). پیران (۱۳۹۲: ۹۱)،

مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را شامل موارد مقابل معرفی می‌کند: شبکه روابط، هنجارها، کنش جمعی و خودآثربخشی. متفکرانی چون لیوو و بیسر (۲۰۰۳:۳۵۴) به چهار بعد اشاره کرده‌اند: پیوندهای اجتماعی غیررسمی، پیوندهای اجتماعی رسمی، اعتماد و هنجارهای عمل جمعی. پانتیجا (۲۰۰۰:۲۶)، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را در شش دسته طبقه‌بندی می‌کند که عبارتند از: پیوندهای فامیلی و خویشاوندی، شبکه‌های اجتماعی گسترده یا زندگی انجمنی، پیوندهای چند بخشی یا شبکه‌ای، سرمایه سیاسی، نهادهای اجتماعی و خط‌مشی و نهایتاً ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی.

لبه تاریک سرمایه اجتماعی: کژکارکردها

سرمایه اجتماعی عمدتاً مثبت ارزیابی می‌شود. تاکید بر مثبت بودن سرمایه اجتماعی امری بی‌راه و نامربوط نیز نیست. لیکن برخی از واقعیت‌هایی که سرمایه اجتماعی را پدید آورده، فی‌نفسه ماهیتی دوگانه دارند؛ و تحت شرایطی به آثاری منفی و گاه مخرب دامن زده یا آن‌ها را پدید می‌آورند و هستی می‌بخشند (پیران، ۱۳۹۲: ۸۰). به بیان فیلد (۱۳۹۲: ۱۱۹)، «سرمایه اجتماعی می‌تواند افراد و گروه‌ها را قادر به دستیابی به اهداف مشترک متنوعی سازد که ممکن است خیلی از آن‌ها برای سایرین دارای پیامدهای منفی مستقیم یا غیرمستقیم باشند» (فیلد، ۱۳۹۲: ۱۲۱).

اثرات سرمایه اجتماعی بر اجرای خط‌مشی‌های عمومی

از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های علمی که در ارتباط با اساسی‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و انجام امور دولت صورت گرفته است، تلاش‌های رابرت و جنت دنهارت است که نتایج فعالیت‌های آن‌ها به شکل‌گیری شبه پارادایم خدمات عمومی نوین منجر شد. به بیان نرگسیان (۱۳۹۰: ۳۱۶)، در خدمات عمومی نوین، تمرکز اولیه فرآیند اجرای خط‌مشی بر روی مشارکت شهروندان و ایجاد جامعه مدنی است. اشاره مستقیم به استعاره پاتنام از «بولینگ به تنهایی» و شناسایی نیاز به راه‌حل‌های اجتماعی برای مشکلات جمعی، نشان‌دهنده استمرار در زمینه سیاسی‌ای می‌باشد که سرمایه اجتماعی در آن رشد کرده است. در واقع به بیان کندال (۲۰۰۹)، اشاره تلویحی پاتنام در کتاب «بولینگ به تنهایی»، مؤید یک بستر سیاسی است که در آن، اقدام جمعی درون انجمن‌های داوطلبانه و در راستای کمک‌های متقابل، به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی خط‌مشی در دستیابی به اهداف خط‌مشی‌های اجتماعی در یک چارچوب سیاسی مدرن، شناخته می‌شود (آدامز، ۲۰۱۴: ۵۵۵). ضرورت بروز و حضور مشارکت عمومی در اجرای خط‌مشی‌ها به مثابه یکی از کارکردهای مهم سرمایه اجتماعی در ادبیات نظری اجرا به چشم می‌خورد. نتایج تحقیقات پژوهشگرانی نظیر هاوالت و رامش (۱۳۸۰)، لستر و استورات (۱۳۸۱)،

قلی پور (۱۳۹۳) و ... نشان می‌دهد گروه‌های ذی نفوذ و شهروندان و نهادهای مدنی از جمله اصلی‌ترین بازیگران اجرای خط‌مشی‌های عمومی هستند (هاولت و رامش، ۱۳۸۰).

پیشینه تجربی

با بررسی پایگاه‌های علمی، مشخص شد پژوهشی که اثرات مثبت و منفی سرمایه اجتماعی را بر اجرای خط‌مشی‌های جمعیت مورد بررسی قرار داده باشد، انجام نشده است. پژوهش‌هایی که این مفهوم را مورد بررسی قرار داده اند که در ادامه بیان می‌گردند. گروهی از پژوهشگران (مرتازاشویلی‌ها و صلاح‌ادجاف، ۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «اعتماد عمومی و جنگل زدایی؛ مقایسه‌ای میان منطقه‌ای» نشان دادند که سطوح بالای اعتماد به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با کاهش قابل توجه در جنگل‌زدایی همراه است. پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی، مشارکت شهروندان در اداره امور عمومی و عملکرد بخش دولتی» نشان داد شبکه‌های اجتماعی به مثابه مؤلفه مرکزی سرمایه اجتماعی، انگیزه و توانایی شهروندان تایلندی برای مشارکت در امور عمومی را افزایش می‌دهند (سبویسز، ۲۰۱۸). سلاجقه، بهادری و پورغلامرزاری (۱۳۹۷)، در پژوهش خود با عنوان «ارزیابی تاثیر سرمایه اجتماعی در سیاست‌گذاری و اجرای خط‌مشی‌های استراتژیک محور در سازمان‌های دولتی» نشان دادند سرمایه اجتماعی در سیاست‌گذاری و اجرای خط‌مشی‌های استراتژیک محور در سازمان‌های دولتی در سه بعد سرمایه شناختی، ساختاری و رابطه‌ای تاثیر مثبت و معناداری دارد. گروه دیگری از پژوهشگران داخلی در پژوهشی با عنوان «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با گرایش به فرزندآوری» نشان دادند «بین سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی) و سبک زندگی سنتی با گرایش به فرزندآوری رابطه معنادار مثبت وجود دارد (رسول زاده اقدام، افشار، عدلی پور و میرمحمدتبار، ۱۳۹۵).

روش‌شناسی پژوهش

فلسفه این پژوهش بر مبنای تفسیرگرایی است. هدف پژوهش تفسیری، ساختن فهمی جدید و غنی‌تر مبتنی بر تفاسیر مختلف از جهان اجتماعی است. چالش یک پژوهشگر تفسیرگرا این است که به نحوی وارد جهان اجتماعی مشارکت‌کنندگان در پژوهش شده و جهان را از نقطه نظر آن‌ها درک کند (ساندرز، لوییس و ثورنهییل، ۲۰۱۶: ۱۴۰). در این پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها به صورت کیفی صورت گرفته است. همچنین، «مطالعه موردی» به عنوان استراتژی اصلی انتخاب شد و متناسب با آن، خط‌مشی‌های جمعیتی کشور به عنوان مورد مطالعه انتخاب گردید. این مورد در واقع مشتمل بر قوانین و خط‌مشی‌هایی است که در حوزه جمعیت تدوین و ابلاغ شده است. «سیاست‌های کلان جمعیت» و «طرح جمعیت و تعالی خانواده»، دو سند اصلی بود که به عنوان مورد مطالعه انتخاب گردید. علاوه بر این دو سند، به طور کلی

سیاست‌های جمعیت نیز مورد توجه ویژه قرار گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، از کدگذاری به روش تحلیل مضمون در شش مرحله استفاده شده است که توسط عابدی جعفری و همکاران (۱۳۹۰) و با ترکیب مراحل مختلف از نظریه‌پردازان طراحی شده است. مراحل فرآیند کامل تحلیل مضمون عبارتند از: ۱) آشنا شدن با متن ۲) ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری ۳) جست‌وجو و شناخت مضامین ۴) ترسیم شبکه مضامین ۵) تحلیل شبکه مضامین و ۶) تدوین گزارش.

ابزارهای گردآوری داده‌ها

داده‌های این پژوهش از مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته گردآوری شده است. بعد از انجام تعداد ۱۶ مصاحبه، اشباع تئوریک حاصل شده و فرآیند جمع‌آوری اطلاعات به اتمام رسید. داده‌های مربوط به پیشینه موضوع نیز به روش کتابخانه‌ای و از میان کتاب‌ها و مقالات موجود در پایگاه‌های معتبر علمی و کتابخانه‌ها گردآوری شد. به جهت سنجش اعتبار و اعتمادپذیری تحقیق از شاخص‌های مورد اشاره توسط گوبا و لینکن (۱۹۹۴) استفاده شده است. درگیری طولانی مدت با پژوهش و مشاهده دیرپا در جمع‌آوری داده‌ها، متضمن باورپذیری پژوهش است. اطمینان‌پذیری نیز با توضیح فرآیند انجام کار و هماهنگی با اساتید و خبرگان و انجام اصلاحات لازم در طی مراحل تحقیق صورت گرفت. نمونه‌هایی از گزاره‌های مصاحبه‌شوندگان نیز در تایید صحت کدهای استخراج شده اضافه گردید. ارائه نتایج و یافته‌های پژوهش به مصاحبه‌شوندگان و دریافت بازخورد مثبت از آن‌ها، بر تاییدپذیری پژوهش صحنه گذاشت.

مشارکت‌کنندگان پژوهش و نحوه انتخاب آن‌ها

در این پژوهش از نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است. نمونه‌های مورد مصاحبه در پژوهش حاضر ۱۶ نفر هستند که به واسطه‌ی تجربیات علمی و عملی در حوزه‌ی اجرا و پایش خط‌مشی‌های جمعیتی از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت ورزش و جوانان، سازمان بیمه سلامت، دفتر جمعیت مرکز آمار ایران، انجمن جمعیت شناسی ایران، مؤسسه مطالعات جمعیتی، گروه‌های علمی جمعیت شناسی، خط‌مشی‌گذاری عمومی و جامعه‌شناسی از دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، الزهرا و آزاد اسلامی انتخاب شده‌اند. لازم به ذکر است، خبرگان مورد مصاحبه در هرکدام از سازمان‌های هدف، نقشی در تدوین، پایش و اجرای سیاست‌های جمعیتی داشته و یا از جایگاه علمی و آکادمیک مرتبط با حوزه‌های سرمایه‌اجتماعی، سیاست‌گذاری و مسائل جمعیتی برخوردار بوده‌اند.

یافته‌های پژوهش

به منظور پاسخ به سوال اصلی پژوهش، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان مورد اشاره انجام شد. نتایج حاصل از هر مصاحبه مکتوب شده و مطابق مراحل روش تحلیل مضمون مورد تحلیل قرار گرفتند. با انجام ۱۳ مصاحبه، اشباع نظری صورت گرفت و جهت اطمینان خاطر، ۳ مصاحبه دیگر نیز انجام شد که کد جدیدی از آن‌ها حاصل نگشت. با تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی ناظر بر اجرای خط‌مشی‌های جمعیتی مورد شناسایی قرار گرفته و عملاً به سوال پژوهش پاسخ داده شد. نهایتاً ذیل مضمون فراگیر «کارکردهای سرمایه اجتماعی»، ۳ مضمون سازمان‌دهنده شناسایی شد که عبارتند از: «وفاق اجتماعی»، «تعاملات اجتماعی سازنده» و «وجدان جمعی»؛ و ذیل مضمون فراگیر «کژکاردهای سرمایه اجتماعی» نیز ۳ مضمون سازمان‌دهنده شناسایی شد که عبارتند از: «ضعف وفاق اجتماعی»، «تعاملات اجتماعی مخرب» و «ضعف وجدان جمعی». یافته‌های پژوهش در جدول زیر قرار گرفته است.

جدول ۱ - مضامین کارکردی و کژکارکردی سرمایه اجتماعی در اجرای خط‌مشی‌های عمومی

مضامین سازمان دهنده	مضامین اولیه (مفاهیم)	نمونه گزاره‌های بیان شده
کارکرد وفاق اجتماعی	انسجام و همبستگی عمومی	«در مجموع وقتی بین آحاد جامعه و دولت یک انسجام عمومی وجود داشته باشد، اگر برنامه ای تعریف شود مردم آن را تقویت می‌کنند»
	اعتماد نهادی	«وجود اعتماد مردم نسبت به حاکمیت موتور محرک اجرای سیاست‌های جمعیت است»
	اعتماد عمومی	«رفتارهای جمعیتی به مثابه نوعی رفتار اجتماعی، همیشه تحت تأثیر عواملی از جمله اعتماد عمومی هستند»
	مقبولیت عمومی	«یکی از عوامل موفقیت هر برنامه‌ای مقبولیت، مشروعیت و نحوه طرح آن برنامه است»
	انسجام نهادی	«از طرف دیگر انسجام عمومی تابع انسجام مسئولین بالادستی (اتفاق نظر و همراهی) نیز هست»
کارکرد تعاملات اجتماعی	انسجام بخشی قشری و ضمنی	«هرچه در هر کدام از بخش‌ها انسجام و سازگاری بیشتر باشد، می‌توان به طور مجزا هر کدام را هدف قرار داد و از این ظرفیت استفاده کرد»
	مشارکت عمومی	«یکی از زمینه‌های اجرای موفق سیاست‌های جمعیتی این است که مردم به بازی گرفته شوند»
	عضویت در گروه‌ها و شبکه‌ها	«عضویت در گروه‌ها شمشیر دو لبه است. بسیار خوب است

مضامین سازمان دهنده	مضامین اولیه (مفاهیم)	نمونه گزاره‌های بیان شده
		اگر لایه شبکه‌های حمایتی آن تقویت شود، این عضویت یک بستر است و مهم این است که محتوای آن چی است»
	فعالیت‌های داوطلبانه	«وقتی مردم اعتماد بیشتر داشته باشند، شبکه‌ها قوی تر شوند و ارزش‌های مشترک تقویت شوند، به عنوان پیامد فعالیت‌های داوطلبانه هم تقویت می‌شود»
	فعالیت‌های داوطلبی سازمان‌یافته، هم‌افزا و نهادینه	«اگر بتوان فعالیت‌های داوطلبانه را به نحوی سازماندهی کرد، وضعیت بهتری ایجاد می‌شود»
	فعالیت داوطلبی بازنشستگان و زنان خانه‌دار	«در کشورهای پیشرفته افراد بازنشسته به صورت رایگان شغل‌هایی را می‌گیرند و به وظایف خود عمل می‌کنند»
	مشارکت اقشار، خبرگان و نمایندگان	«به یکباره نمی‌شود یک طرح یا برنامه را برای همه‌ی جمعیت پوشش داد. لازم است جلب مشارکت ابتدا از طریق خبرگان و متخصصین جامعه صورت پذیرد»
	مشارکت هم‌افزا و سازمان‌یافته	«در صورتی که مشارکت منجر به نوعی هم‌افزایی شود، اثرات کارکردی دارد»
	عضویت گروهی سازمان‌یافته	«لازم است برای هر قشر یک گروه مجزا باشد تا در راستای ارزش‌های آن‌ها فعالیت‌های گروهی صورت گیرد چرا که رایگان است و کم هزینه»
	یادگیری اجتماعی	«یکی از بحث‌های مهم در تئوری‌های اجتماعی یادگیری اجتماعی ^۳ یا اشنانه ^۴ است.»
	اطلاع‌رسانی گروهی	«عضویت در گروه‌ها یک بعد اطلاع‌رسانی دارد و نقشی سازنده در ایجاد حرکات مثبت ایجاد می‌کند»
	روابط خانوادگی قوی	«در سطح خرد یعنی خانواده‌ها سرمایه اجتماعی در وضعیت مناسبی قرار دارد و مقدار آن زیاد است»
	هم‌گرایی ارزش‌های مشترک	«در حوزه مدیریت دولتی بحث پارادایم ارزش‌های عمومی ^۵ مطرح است. مهم است که ارزش‌های نهادها هم راستای ارزش‌های مردم باشد. اصلا سرمایه اجتماعی وقتی شکل می‌گیرد که همگرایی ارزشی وجود داشته باشد»
	اشتراکات ارزشی دینی و معنوی	«... دین یکی از عواملی است که ایجاد ارزش‌های مشترک می‌کند. علی‌القاعده در آن‌هایی که قیود مذهبی آن‌ها بیشتر است، وجود این ارزش‌ها تاثیر گذار است»

3 - Social Learning

4 - Diffusion

5 - Public Value Paradigm

مضامین سازمان دهنده	مضامین اولیه (مفاهیم)	نمونه گزاره‌های بیان شده
	حسن نیت و هم‌نوعی (حس جمعی)	«... وقتی شما این زمینه را فراهم می‌کنید، خود به خود این حس جمعی ایجاد شده و تحقق سیاست‌های جمعیت در مسیر مناسب قرار می‌گیرد»
	غرور و هویت ملی مشترک	«... ایجاد و بروز غرور ملی یکی از مؤلفه‌هایی است که بسیار اثرگذار است»
	انعطاف‌پذیری ارزشی (پویایی ارزش‌ها)	«لازم است تفاوت سبک زندگی در عصر جدید را در نظر گرفت تا به ارزش‌هایی که بین جوانان وجود دارد توجه شده و اجرای سیاست‌های جمعیتی تسهیل گردد»
	ارزش‌های مشترک اقوام و اقشار	«باید هر قشر را با توجه به ارزش‌های مختص به خود اقناع کرد. نهاد مرجع هر قشر با توجه به ارزش‌های آن قشر متفاوت است»
	منفعت‌گرایی جمعی	«لازم است سیستم از فرد محوری فاصله گرفته و منافع جمعی را در نظر بگیرد»
	روحیه بخشی	«سرمایه اجتماعی نقشی روحیه بخش برای اجرای سیاست‌های جمعیتی توسط مردم ایفا می‌کند»
	ضعف اعتماد نهادی	«اما این روزها با توجه به اینکه کاهش اعتماد اجتماعی داشتیم (خصوصاً اعتماد نهادی) می‌تواند اجرای بسیاری از برنامه‌ها و سیاست‌ها را با مشکل مواجه کند»
	تضعیف اعتماد عمومی	«هر کسی به این فکر می‌کند که من نه می‌توانم به دولت اعتماد کنم و نه به هم‌نوعانم»
	نفاق حکمرانان (دوگانگی سخن و عمل)	«یکی دیگر از عوامل مخرب، دوگانگی اقدام و سخن مسئولین است»
	وعده‌های کاذب (نشر شعار)	«با شعار دادن و اجرای ضعیف خط‌مشی‌ها وضعیت بدتر خواهد شد و اعتماد عمومی را تحت الشعاع قرار خواهد داد، تبع آن مشارکت کاهش می‌یابد»
	انسجام بخشی، متعارض و برمحور باطل	«ما الان از انسجام و همبستگی در سطح جامعه نمی‌توانیم صحبت کنیم چرا که جامعه امروز ایران چند بخشی است»
	تضعیف انسجام ملی	«در حال حاضر می‌بینیم که انسجامی میان مردم و مسئولین وجود ندارد و این سبب بروز آسیب در اجرا می‌شود»
	تضعیف اعتماد حرفه‌ای (صنعی)	«حتی اعتماد حرفه‌ای نیز در مواردی کاهش داشته. مثلاً اعتماد به روحانیت کاهش پیدا کرده است»
	مقاومت مدنی	«اگر انسجام و همبستگی عمومی در راستای سیاست‌های جمعیت باشد، موثر است اما در غیر این صورت مقاومت مدنی شکل می‌گیرد»

مضامین سازمان دهنده	مضامین اولیه (مفاهیم)	نمونه گزاره‌های بیان شده
کژکارکرد تعاضلات اجتماعی مخرب	عضویت گروهی مخرب و متشتت	«وقتی در گروه‌هایی عضو شویم که افراد متشتت باشند و بحث‌های بی ربط در آن‌ها شکل گیرد، نقشی مخرب دارد»
	تضعیف دولتی عضویت گروهی کلان	«در نظام‌هایی مثل ما اساساً نهاد دولت خوشحال نخواهد شد جمع‌هایی سازمان‌یافته شکل گیرد»
	انتشار محتوای مخرب (انتقال پیام منفی)	«طرف دیگر اگر این شبکه‌ها نشر دهنده محتوای غیر معمول باشد، تاثیر عکس می‌گذارد»
	تضعیف مشارکت عمومی	«در صورتی که مشارکت عمومی پایین باشد، نقشی کژکارکردی ایفا می‌کند»
	مشارکت غیر سازمان‌یافته و متعارض	«در شرایطی که مشارکت بهم ریخته و با بی‌نظمی صورت گیرد، نقشی مخرب دارد و می‌تواند به عنوان یک کژکارکرد در نظر گرفته شود»
	فعالیت داوطلبانه غیر سازمان‌یافته، دولتی و فرمایشی	«بستگی دارد چه کسی فعالیت‌های داوطلبانه را اجرا کند. اگر نمایندگان دولت بخواهند فعالیت‌های داوطلبانه را انجام دهند، موثر نیست»
	روابط شبکه‌ای سیاه	«عد منفی سرمایه اجتماعی اگر روابط شبکه‌ای قلمداد شود، بعد سیاه روابط شبکه‌ای سیاه روابط شبکه‌ای می‌تواند نقشی غیرکارکردی ایفا کند»
	ضعف ارتباط کلامی	«بحران عدم توانایی برقراری ارتباط کلامی بین زوجین نیز که ناشی از ضعف سرمایه اجتماعی در نهاد خانواده است نیز مشکلی جدی است»
	واگرایی، تضاد و تعارض ارزشی	«هر چه تضاد ارزشی بین دولت و مردم بیشتر شود، مردم فاصله بیشتری از دولت می‌گیرند و اعتماد و مشارکت آن‌ها ضربه می‌خورد»
	فردگرایی افراطی (منفعت‌گرایی)	«در اینجا هر کسی به این فکر می‌کند که من نه می‌توانم به دولت اعتماد کنم و نه به هموعانم»
	تضعیف ارزش‌های مشترک	«پایندی به ارزشهای مشترک نیز ضعیف شده است»
	ایستا انگاری ارزش	«احساس می‌شود امروزه در مدیران نظام برداشتی ایجاد شده است که انگار ارزش‌های جامعه را ایستا می‌بینند»
	مقاومت ارزشی	«با القای ارزش‌های حاکمیتی در مقابل آن‌ها گارد خواهند گرفت»
	ضعف غرور و هویت ملی	«جای نگرانی وجود دارد که این حس ضعیف غرور و هویت ملی به عنوان عاملی تهدیدکننده اثرات مخربی برجای گذارد»

بحث

کارکردهای سرمایه اجتماعی

وفاق اجتماعی

ذیل مضمون وفاق اجتماعی، مفاهیمی نظیر اعتماد عمومی و نهادی، مقبولیت عمومی و انسجام و همبستگی عمومی و نهادی قرار می‌گیرد. منظور از اعتماد نهادی، اعتماد مردم به نهادهای حکومتی و دولتی است. انسجام نهادی نیز به همراهی و همبستگی نهادهای مختلف حاکمیتی با یکدیگر جهت پیگیری تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی اشاره دارد. وفاق اجتماعی در صورتی نقشی کارکردی در اجرای خط‌مشی‌های عمومی ایفا می‌کند که انسجام شکل گرفته هم‌راستا با خط‌مشی‌ها بوده و متناسب با تمایلات هر قشر از جامعه به شکلی ویژه ایجاد گردد.

تعاملات اجتماعی سازنده

تعاملات اجتماعی به جنبه ارتباطی سرمایه اجتماعی اشاره دارد و مفاهیمی نظیر عضویت گروهی، فعالیت‌های داوطلبانه، مشارکت و یادگیری اجتماعی را شامل می‌شود. عضویت گروهی در صورتی که به شکلی سازمان‌یافته صورت پذیرد و اطلاع‌رسانی گروهی در آن صورت گیرد، خواه به شکل خرد و خواه کلان، نقش مؤثری در شکل‌گیری کارکرد تعاملات اجتماعی سازنده ایفا می‌کند. شکل‌گیری گروه‌های سازمان‌یافته خیرین به جهت تسهیل اجرای سیاست‌های جمعیت با حمایت از جوانان در شرف ازدواج نمونه‌ای مؤثر از این مفهوم است. فعالیت‌های داوطلبانه نیز همانطور که اشاره شد از دیگر مفاهیم این مضمون است که اگر به شکلی سازمان‌یافته صورت پذیرد و در راستای نهادینه‌سازی آن اقدام صورت گیرد، هم‌افزایی به دنبال داشته و نقش مهمی در بروز کارکرد تعاملات اجتماعی ایفا می‌کند.

وجدان جمعی

وجدان جمعی در واقع همان حس مشترک یا ادراک عمومی می‌باشد که ناظر بر جنبه شناختی سرمایه اجتماعی قلمداد می‌شود. این کارکرد مشتمل بر مضامینی نظیر ارزش‌های مشترک (دینی، قومی و ملی)، معنویت عمومی، روحیه بخشی، حسن نیت، هم‌نوعی و منفعت‌گرایی جمعی است. در صورتی که میان ارزش‌های مشترک عمومی و ارزش‌های مورد اشاعه دولت در خط‌مشی‌ها نوعی هم‌راستایی وجود داشته باشد، اصطلاحاً هم‌گرایی ارزشی ایجاد می‌شود که جنبه کارکردی وجدان جمعی را برای اجرای خط‌مشی‌های جمعیت تقویت می‌کند. همچنین در صورتی که دستگاه‌های حاکمیتی پذیرای نوعی پویایی در ارزش‌ها باشند و انعطاف‌پذیری

ارزش‌ها را بپذیرند و هر قشر را متناسب با ارزش‌های همان قشر اقناع کنند، امکان هم‌صدایی در اجرای خط‌مشی‌های جمعیت در عین تفاوت نگاه‌های ارزشی، فراهم می‌گردد.

کژکارکردهای سرمایه اجتماعی

ضعف وفاق اجتماعی

این مضمون، مشتمل بر مفاهیمی نظیر تضعیف اعتماد عمومی، نهادی و صنفی، تضعیف انسجام ملی، انسجام متعارض و مقاومت مدنی، انسجام بخشی، انسجام بر محور باطل و نشر اکاذیب و دوگانگی سخن و عمل کارگزاران حاکمیتی است. نشر اکاذیب و شعار و همچنین نفاق مسئولین دولتی سبب تضعیف اعتماد نهادی و نهایتاً بروز نقش غیرکارکردی وفاق اجتماعی می‌گردد. همچنین انسجام بر محور باطل یا انسجام در مقابل اهداف خط‌مشی‌ها نیز مسبب شکل‌گیری مقاومت منفی می‌شود و نهایتاً منجر به بروز کژکارکرد ضعف وفاق اجتماعی می‌گردد.

تعاملات اجتماعی مخرب

این مضمون نیز کژکارکردهای ارتباطی سرمایه اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد. تضعیف و مخالفت با عضویت گروهی کلان نظیر احزاب توسط دستگاه‌های حاکمیتی، انتشار محتوای مخرب یا پیام منفی در گروه‌ها و شکل‌گیری روابط شبکه‌ای سیاه از جمله مؤلفه‌های منفی در ارتباط با روابط گروهی است که اثر مخربی بر اجرای خط‌مشی‌های جمعیتی دارد. تضعیف مشارکت عمومی، مشارکت غیرسازمان‌یافته و متعارض نیز در زمره مؤلفه‌های تاریک مربوط به مشارکت قرار می‌گیرد. نهایتاً فعالیت‌های داوطلبانه غیرسازمان‌یافته و فرمایشی (توسط دولت)، نقش غیرکارکردی و مخرب تعاملات اجتماعی را در اجرای خط‌مشی‌های جمعیت به دنبال دارد.

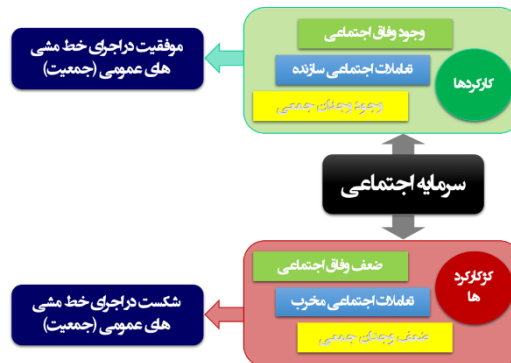
ضعف وجدان جمعی

هر عاملی که مانع ایجاد و تقویت حس و وجدان جمعی میان مردم گردد، زمینه‌ساز بروز کژکارکردی وجدان جمعی در اجرای خط‌مشی‌های جمعیت می‌گردد. تضعیف ارزش‌های مشترک، واگرایی ارزشی میان مردم و دستگاه‌های حاکمیتی، ایستا انگاری ارزش توسط دولت، ضعف غرور و هویت ملی و تقویت فردگرایی افراطی، از جمله این عوامل است. لازم به ذکر است واگرایی یا تضاد ارزشی نهایتاً شکل‌گیری مقاومت ارزشی مردم را به دنبال خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

اجرای خط‌مشی‌های جمعیتی کشور بیش از هرچیز به خواست و اختیار عموم مردم وابسته است. لذا در صورتی که سرمایه اجتماعی به اندازه کافی قدرتمندی وجود داشته باشد، با بروز نقش‌های کارکردی می‌تواند اجرای این خط‌مشی‌ها را به شکل قابل ملاحظه‌ای تسهیل کند. این

کارکردها در سه دسته وجود وفاق اجتماعی، تعاملات اجتماعی سازنده و وجود وجدان جمعی جای می‌گیرد. اگر چه سرمایه اجتماعی عمدتاً مثبت ارزیابی می‌شود، کژکارکردهایی نیز بر آن مترتب است که این قابلیت را دارند تا اجرای خط‌مشی‌های عمومی از جمله خط‌مشی‌های جمعیت را با مشکل مواجه کنند یا با بدبینی کمتر کمکی به اجرای آن‌ها نکنند. کژکارکردهای سرمایه اجتماعی مؤثر در اجرای خط‌مشی‌های جمعیت عبارتند از: ضعف وفاق اجتماعی، تعاملات اجتماعی مخرب و ضعف وجدان جمعی. با وجود آن که مضامین اصلی سرمایه اجتماعی در دوسر طیف مثبت و منفی آن به یکدیگر نزدیک هستند، کارکرد یا کژکارکردها را می‌توان از زیرمجموعه‌های آن‌ها یا متغیرهایی که با یکدیگر متفاوتند دریافت نمود و عنایت به آن‌ها نشان از این تفاوت دارد. برای مثال، جنبه کارکردی وفاق اجتماعی مفاهیمی مانند اعتماد عمومی و نهادی، مقبولیت عمومی و انسجام و همبستگی عمومی و نهادی را دربر داشته است؛ در حالی که جنبه کژکارکردی آن تضعیف اعتماد عمومی، نهادی و صنفی، تضعیف انسجام ملی، انسجام متعارض، مقاومت مدنی از طریق انسجام بر محور باطل، دوگانگی سخن و عمل کارگزاران حاکمیتی، نشر اکاذیب و شعار و همچنین نفاق مسئولین دولتی را شامل می‌شود. در واقع، می‌توان به جای مؤلفه‌های سازمان دهنده در بعد کژکارکردها، از مصادیق عملی یا مفاهیم آنها نام برد تا تمایز میان دو سر طیف، بهتر روشن شود. در شکل زیر، خلاصه نتایج پژوهش در قالب یک مدل، مشخص شده است.



شکل ۱ - مدل نظری پژوهش.

در تحقیقات پیشین، نمونه‌ای مشابه پژوهش حاضر وجود ندارد. اما به طور جداگانه تحقیقاتی در باب شناسایی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی صورت گرفته است. که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود. در مورد کارکردهای سرمایه اجتماعی سه مضمون سازمان‌دهنده بدست آمد که مؤلفه‌های هر مضمون به طور کلی در تحقیقات پیشین پژوهشگران مختلف قابل مشاهده است. پاتنام (۲۰۰۰)، در پژوهش خود مؤلفه‌های «اعتماد عمومی»، «مشارکت عمومی»، «عضویت در گروه‌ها»، «فعالیت‌های داوطلبانه» را مورد توجه قرار داده است. لیو و بیسر (۲۰۰۳)، مؤلفه‌های

«اعتماد» و «ارزش‌های عمومی» را مطرح کردند. نارایان و کسه‌دی (۲۰۰۱)، به مؤلفه‌های «گرایش‌های داوطلبی»، «میزان اعتماد میان مردم»، «انسجام و همبستگی»، «فراوانی مشارکت مردم»، «تعداد عضویت در گروه‌ها»، «کمک‌های داوطلبانه به دیگران» و «هنجارهای تأمیم‌یافته» رسیدند. کلمن (۱۹۸۸) نیز به «اعتماد میان افراد» و «ارزش‌های مشترک» اشاره کرده است. گروه تحقیقاتی دانشگاه جان اف. کندی هاروارد در سال ۲۰۰۰، مؤلفه‌های «اعتماد عمومی»، «اعتماد میان نژادهای مختلف»، «مشارکت سیاسی عادی، مشارکت سیاسی نقدانه، مشارکت مدنی، رهبری مدنی، پیوندهای اجتماعی غیررسمی، بخشش و روحیه داوطلبی، مشارکت ایمان محور، عدالت در مشارکت مدنی و تنوع معاشرت‌ها و دوستی‌ها» را مطرح کردند (الوانی و سیدنقوی، ۱۱-۱۴: ۱۳۸۱). پیران (۱۳۹۲:۹۱)، به مؤلفه‌های «شبکه روابط»، «هنجارها» و «کنش جمعی» دست یافت. پانتیجا (۲۰۰۰:۲۶) مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را در شش دسته «پیوندهای فامیلی و خویشاوندی»، «شبکه‌های اجتماعی گسترده یا زندگی انجمنی»، «پیوندهای چند بخشی یا شبکه‌ای»، «سرمایه سیاسی»، «نهادهای اجتماعی و خط‌مشی» و «ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی» دسته‌بندی نمود. کژکاردهای سرمایه اجتماعی نیز مورد توجه برخی دیگر از اندیشمندان قرار گرفته است. به بیان پورتس (۱۹۹۸:۱۹)، مردمی بودن همچون شمشیری دولبه عمل می‌کند. به این معنا که هم کارکردهای مثبت می‌توان برای آن متصور بود و هم کارکردهای منفی یا کژکارکرد. فیلد (۱۳۹۲:۱۱۹)، معتقد است که استعداد سرمایه اجتماعی در تولید نتایج منفی آنچنان حیرت‌انگیز نیست. اگر سرمایه اجتماعی همکاری دوجانبه را برای منفعت اعضای آن مستحکم می‌کند پس اصولاً به همین مقدار هم می‌تواند همکاری برای اهداف منفی را ارتقاء دهد. در این پژوهش نقش مشارکت، عضویت گروهی و فعالیت‌های جمعی نیز در دو وجه مثبت و منفی (با توجه به مثبت یا منفی بودن اهداف موردنظر) از تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمد و یافته‌های فیلد نیز شاهدهی بر این مدعا است. اعتماد نیز نقش مهمی در برداشت فوکویاما (۸-۱۰: ۲۰۰۱) از سرمایه اجتماعی دارد و وی نتایج منفی سرمایه اجتماعی را با استفاده از ایده «شعاع اعتماد» تشریح می‌کند؛ به این معنا که هرچه شعاع اعتماد محدود به اعضای خود گروه باشد، احتمال بروز اثرات منفی بیشتر می‌شود (فیلد، ۱۳۹۲:۱۲۳).

توصیه‌های سیاستی

خط‌مشی‌های جمعیتی یکی از عرصه‌های خط‌مشی‌گذاری دولت‌ها هستند که اجرای آن‌ها بیش از هر چیز توسط مردم صورت می‌گیرد. بنابراین و با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادها کاربردی زیر ارائه می‌گردد:

- جلب اعتماد عمومی با ایجاد سازوکاری جهت تضمین اجرای سیاست‌های تشویقی افزایش جمعیت. ضروریست این سازوکار تحت نظارت دولت و مجلس شورای اسلامی و با

- همکاری مرکز پژوهش‌های مجلس و مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری طراحی گردد.
- رفع موانع پیش‌روی گروه‌های مردم‌نهاد توسط مجلس شورای اسلامی و هدایت این گروه‌ها در دسته‌های مختلف بازنشستگان، زنان خانه‌دار و... جهت انجام فعالیت‌های داوطلبانه در حوزه‌های تربیت فرزندان، نگهداری از آن‌ها و در مجموع، تسهیل امر فرزندآوری.
 - ایجاد یک شبکه‌ی تعاملی جهت معرفی داوطلبین انجام امور مربوط به فرزندان، به متقاضیان (مانند زنان شاغل).
 - بازنگری در طرح «تعالی خانواده و جمعیت» (که پیش از این به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است) به منظور پیش‌بینی دقیق چگونگی تأمین منابع مالی طرح.
 - لحاظ کردن فرصت‌ها و ظرفیت‌هایی که سرمایه‌اجتماعی (نظیر فعالیت‌های داوطلبی) پیش روی اجرای سیاست‌های جمعیتی می‌گذارد، توسط مجلس شورای اسلامی در طرح‌های ارائه شده.
 - افزایش تاب‌آوری حاکمیت در قبال ارزش‌های متکثر گروه‌های قومی، در راستای عمل به اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی کشور. در این اصول، جایگاه گروه‌های متعدد قومی به رسمیت شناخته شده و برابری حقوق آن‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. تحقق این امر، منجر ایجاد نوعی همگرایی ارزشی میان مردم (در عین کثرت) شده و به کمک اجرای سیاست‌های جمعیتی می‌آید.
 - تهیه برنامه‌های اقناعی جهت تشویق به اجرای سیاست‌های جمعیتی متناسب با ارزش‌های کلیدی و نیازهای هر گروه به صورت مجزا توسط مجلس شورای اسلامی.

منابع

- ۱ - ادیبی، حسین؛ انصاری، عبدالمعبود (۱۳۸۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: دانژه.
- ۲ - الوانی، مهدی (۱۳۹۲). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۳ - الوانی، مهدی؛ سید تقوی، میرعلی (۱۳۸۱). سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها. مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، ۹(۳۴)-۳۵، ۲۶-۹.
- ۴ - الوانی، مهدی؛ شریف‌زاده، فتاح (۱۳۹۲). فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۵ - پاتنام، رابرت؛ کلمن، جورج؛ بوردیو، پیر؛ فوکویاما، فرانسیس؛ پورتس، آلیخاندرو؛ تاج‌بخش، کیان. ترجمه: حسن پویان و افشین خاکباز (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه. تهران: پژوهش شیرازه.
- ۶ - پیران، پرویز (۱۳۹۲). مبانی مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی. تهران: نشر علم.
- ۷ - توکل، محمد؛ نوه ابراهیم، عبدالرحیم؛ رضائیان، مجید (۱۳۹۶). آثار و پیامدهای مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی ایران. مطالعات جامعه‌شناختی، ۲۴(۲)، ۵۹۳-۶۲۷.
- ۸ - خام‌نه‌ای، علی (۱۳۹۳). سیاست‌های کلی جمعیت. باز یابی از دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خام‌نه‌ای: [۲۶۴۴۰http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=](http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۲۶۴۴۰)

- ۹ - دادگر، یدالله؛ نظریور، محمدنقی؛ منتظری مقدم، مصطفی (۱۳۹۴). سرمایه اجتماعی، اسلام و توسعه اقتصادی. تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- ۱۰ - رسول زاده اقدم، صمد؛ افشار، سیمین؛ عدلی پور، صمد؛ میرمحمدتبار، احمد (۱۳۹۵). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با گرایش به فرزندآوری. راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۵(۲۰)، ۱۰۷-۱۳۶.
- ۱۱ - رنجبر، هادی؛ حق دوست، علی‌اکبر؛ صلصالی، مهرانوش؛ خوشدل، علیرضا؛ سلیمانی، محمدعلی؛ بهرامی، نسیم (۱۳۹۱). ۱۲ - نمونه گیری در پژوهش های کیفی: راهنمایی برای شروع. دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۰(۳)، ۲۵۰-۲۳۸.
- ۱۳ - ریتزر، جورج. ترجمه: محمدتلائی (۱۳۹۴). نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر. تهران: انتشارات علمی.
- ۱۴ - سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۹۳). روش های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: نشر آگه.
- ۱۵ - سلاجقه، سنجر؛ بهادری، یونس؛ پورغلامر ضائی، محمد (۱۳۹۷). ارزیابی تاثیر سرمایه اجتماعی در سیاست‌گذاری و اجرای خط‌مشی‌های استراتژیک محور در سازمان‌های دولتی (مطالعه موردی شرکت پایانه نفتی جزیره خارگ). فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، ۴(۳)، ۴۰-۵۱.
- ۱۶ - عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی، ۵(۲)، ۱۵۱-۱۹۸.
- ۱۷ - فیلد، جان. ترجمه: غلامرضا غفاری و حسین رضضانی (۱۳۹۲). سرمایه اجتماعی. تهران: کویر.
- ۱۸ - قانون تنظیم خانواده و جمعیت (۱۳۹۷). بازبایی از مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی: <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/۹۲۲۳۹>
- ۱۹ - قلی پور، رحمت‌الله (۱۳۹۳). تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: سمت.
- ۲۰ - لستر، جیمز؛ استوارت، جوزف. ترجمه: تورج مجیبی، مجتبی طبری، سهیل خورشید (۱۳۸۱). فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی: رویکردی تکاملی. تهران: ساوالان.
- ۲۱ - مرکز آمار ایران (۱۳۹۹). ولادت ثبت شده بر حسب جنس متولدین در کل کشور. تهران: مرکز آمار ایران.
- ۲۲ - منوریان، عباس (۱۳۹۶). اجرا و ارزیابی خط‌مشی عمومی. تهران: موسسه کتاب مهربان نشر.
- ۲۳ - نرگسیان، عباس. (۱۳۹۰). تئوری های مدیریت دولتی. تهران: نگاه دانش.
- ۲۴ - هاوالت، مایکل؛ رامش، ام. ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن (۱۳۸۰). مطالعه خط‌مشی عمومی. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- 25- Abasi, M., poorbehrozan, a., & samimi, m. (2016). A survey of public value failure in policy making. Third International Conference of Management, Accounting, Economics and Humanities: Sweden.
- 26- Adams, A. (2014). Social capital, network governance and the strategic delivery of grassroots sport in England. International review for the sociology of sport, 49(5), 550-574.
- 27- Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. American journal of sociology, 94, S95-S120.
- 28- Fine, B. (1999). The developmental state is dead—long live social capital? Development and change, 30(1), 1-19.
- 29- Fukuyama, F. (2001). Social capital, civil society and development. Third world quarterly, 22(1), 7-20.
- 30- Ghoshal, S. (2000). Janine Nahapiet. Knowledge and Social Capital: Foundations and Applications, 119.
- 31- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1994). Competing paradigms in qualitative research. Handbook of qualitative research, 2(163-194), 105.
- 32- Legatum Prosperity Index (2020). London: Legatum Institute.
- 33- Liu, A. Q., & Besser, T. (2003). Social capital and participation in community improvement activities by elderly residents in small towns and rural communities. Rural sociology, 68(3), 343-365.
- 34- Makinde, T. (2005). Problems of policy implementation in developing nations: The Nigerian experience. Journal of Social sciences, 11(1), 63-69.

- 35- Murtazashvili, I., Murtazashvili, J., & Salahodjaev, R. (2019). Trust and deforestation: A cross-country comparison. *Forest Policy and Economics*, 101, 111-119.
- 36- Narayan, D., & Cassidy, M. F. (2001). A dimensional approach to measuring social capital: development and validation of a social capital inventory. *Current sociology*, 49(2), 59-102.
- 37- Pantoja, E. (2000). Exploring the concept of social capital and its relevance for community-based development: The case of coal mining areas in Orissa, India. World Bank, Social Development Family, Environmentally and Socially Sustainable Development.
- 38- Portes, A. (1998). Social capital: Its origins and applications in modern sociology. *Annual review of sociology*, 24(1), 1-24.
- 39- Putnam, R. D. (2000). Bowling alone: America's declining social capital. In *Culture and politics* (pp. 223-234). Palgrave Macmillan, New York.
- 40- saunders, m., lewis, p., & thornhill, a. (2016). *Research Methods for Business Students*. london: pearson.
- 41- Suebvises, P. (2018). Social capital, citizen participation in public administration, and public sector performance in Thailand. *World Development*, 109, 236-248.
- 42- Tittensor, D. (2007). Social capital and public policy—the current challenge facing the Victorian government. *Australian Journal of Public Administration*, 66(4), 512-518.
- 43- Torpe, L. (2003). Social capital in Denmark: a deviant case?. *Scandinavian Political Studies*, 26(1), 27-48.
- 44- Tzanakis, M. (2013). Social capital in Bourdieu's, Coleman's and Putnam's theory: empirical evidence and emergent measurement issues. *Educate~*, 13(2), 2-23.
- 45- United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division (2017). *World Population Prospects: The 2017 Revision*